

گل سرخ سارایوو

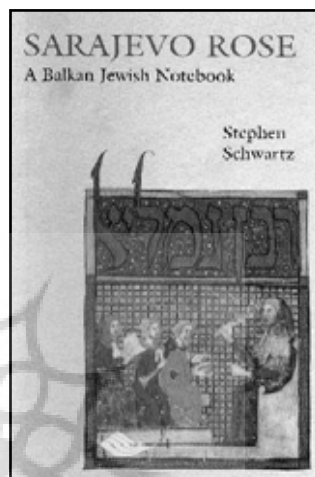
● سعید عابدپور

آنان یهودیان زندانی را آزاد و تا کنیسه همراهی می‌کنند. در کنیسه، روحانی یهودی راو دانون، داستان نجات یهودیان از زندان رشدی پاشا را با داستان نجات یهودیان به‌روایت تورات مقایسه می‌کند. این ماجرا پایان داستان نیست. فردای آن روز، ۲۴۹ نفر از اشراف سارایوو در نامهای به سلطان عثمانی، از وی تقاضای برکناری رشدی پاشا را می‌کنند.

داستان حاضر یکی از وقایعی است که استیون شوارتز در کتاب گل سرخ سارایوو؛ یادداشت یهودی بالکان، از آن نام می‌برد. همزیستی مسالمت‌آمیز یهودیان و مسلمانان بوسنی و هرزگوین، موضوع این کتاب است. کتاب برخلاف معمول برداشتهای غربی از دولت عثمانی است. پیروان ادیان ابراهیمی در دولت عثمانی حقوق و احترام خاصی داشتند. کتاب، تاریخی واقعی از روابط مسلمانان و یهودیان بوسنی و هرزگوین ارائه می‌دهد. مؤلف در نگارش کتاب از منابع عمده، به‌ویژه منابع موجود در کتابخانه و آرشیو مرکز یهودی در آمستردام و آرشیو دوبرونیک در کرواسی سود جسته است. وی سرتاسر منطقه بالکان را برای جست‌وجوی مدارک، مورد کاوش قرار داده است و از این‌رو کتاب وی یگانه اثر تاریخی درباره موضوع است.

یهودیان اسپانیا به دلیل تفتیش عقاید و آزار و اذیت دینی، به نقاط دیگر اروپا مهاجرت می‌کنند. آنان در فرانسه و ایتالیا آزادی نداشتند و در «گتوها» یا محلات بسته و تحت کنترل دولتی زندگی می‌کردند. تعدادی از آنان تحت فشار سیاسی و دینی، ناگزیر به پذیرش اجباری مسیحیت شدند ولی در همان زمان، در سرزمین‌های اسلامی، یهودیان به عنوان شهروندان «ملت» پذیرفته شده بودند و تحت پرچم اسلام آزادانه زندگی می‌کردند. برخورد متعصبانه و بدون تسامح اروپای مسیحی با یهودیان، مشابه برخوردی است که ۵۰۰ سال بعد علیه مسلمانان بوسنی و هرزگوین اعمال می‌شود.

در ۳۰ مارس سال ۱۴۹۲ میلادی، قبل از این که کریستف کلمب سفر طولانی خود را برای کشف قاره جدید آغاز کند، پادشاه اسپانیا فرمان اخراج یهودیان را صادر می‌کند. وی به یهودیان سه ماه فرصت می‌دهد تا از این سرزمین خارج شوند. در این زمان تصرف غرناطه توسط پادشاهی کاستیل کامل می‌شود. فتح غرناطه، به عمر ۸۰۰ ساله دولت اسلامی اندلس پایان می‌دهد. دولتی که زندگی مسالمت‌آمیز ادیان ابراهیمی در کنار یکدیگر، یکی از شاخصه‌های بارز آن بود. بدین ترتیب، عده‌ای از یهودیان اندلس، به مراکش مهاجرت می‌کنند و بخشی دیگر به سمت سواحل آدریاتیک می‌روند و با آغوش باز دولت عثمانی روبرو می‌شوند. این مهاجرت تا دوپست سال بعد ادامه پیدا می‌کند و یهودیانی که در اسپانیا



■ SARAJEVO ROSE, A Balkan Jewish Notebook

■ Stephen Schwartz

■ Saqi and The Bosnian Institute

■ 2005

در سال ۱۸۱۹ میلادی، رشدی پاشا، والی بوسنا از یهودیان سارایوو می‌خواهد تا ۵۰ هزار گروش به عنوان مالیات به وی بپردازند. در امتناع یهودیان از پرداخت مالیات اضافی، او مبلغ را به ۵۰۰ هزار گروش افزایش می‌دهد و به یهودیان سه روز فرصت برای پرداخت مالیات می‌دهد. رشدی پاشا برای این که نشان دهد، تهدیدش واقعی است، ۱۰ نفر از بزرگان یهودی سارایوو را زندانی می‌کند و می‌گوید چنان‌چه این مبلغ پرداخت نشود، وی زندانیان را اعدام خواهد کرد. یکی از این زندانیان، رهبر مذهبی یهودیان، راو موشه دانون است که بعدها رابین شهر استولاتس در جنوب بوسنی و مقبره‌اش زیارتگاه یهودیان می‌شود.

شب قبل از آن که حاکم، زندانیان را اعدام کند، رافائل لوی، یکی از یهودیان سارایوو پیش مسلمانان می‌رود و تقاضای کمک می‌کند. او ماجرا را برای عده‌ای از روحانیون و بازرگانان سارایوو تعریف می‌کند. فردای آن روز، سه هزار مسلمان به رهبری احمد بایراکنار، بیلاوسکی، رییس محله بیلاوه، که در آن یهودیان و مسلمانان با هم زندگی می‌کنند، مقابل عمارت حاکم سارایوو جمع می‌شوند و تقاضای آزادی زندانیان یهودی را می‌کنند.

پرتغال، به ظاهر مسیحی شده بودند، به ناگزیر این مناطق را ترک می‌کنند. بدین ترتیب، تاریخ یهودیان «سفاردی» در بوسنی و هرزگوین از سال ۱۵۶۰ میلادی آغاز می‌شود.

«گل سرخ ساریوو»، کتابی سرشار از اطلاعات است. مکان‌های تاریخی، افراد و جاده‌های ارتباطی باردیگر کشف می‌شوند، بوسنی در دوره عثمانی یکی از مهم‌ترین مراکز یهودیان سفاردی بود. کتاب، تاریخ کروئولوژیک زندگی یهودیان ساریوو و سایر نقاط بالکان از جمله اولچین (شهری ساحلی در مونته‌نگرو)، استولتس و پریشینا است. اجداد بسیاری از یهودیان بوسنی به شبه جزیره ایبریا می‌رسد؛ جایی که دولت عثمانی، در سال ۱۵۶۰ میلادی، رسماً اجازه ورود و زندگی یهودیان سفاردی را در قلمرو عثمانی داد. (ص ۲۲). شوارتز، در این کتاب می‌کوشد تصویر دیگری از اسلام را ارائه دهد. او در کتاب پیشینش «دو چهره اسلام» به انتقاد از اسلام وهابی‌گری معاصر می‌پردازد و آن را محصول برداشت بنیادگرایانه اسلام در حجاز و پیوند با کارتل‌ها و تراست‌های نفتی و نظامی امریکا می‌داند. ولی کتاب حاضر، آشکارا، در اثبات «اسلام بوسنیایی» به عنوان آموزه‌ای در مقابل اسلام وهابی است. شوارتز نسل کشی مسلمانان بوسنیایی را در عصر حاضر توسط صرب‌ها و کروات‌های افراطی با برخورد اروپای قرن ۱۵ میلادی با مسلمانان و یهودیان مقایسه و به خصومت ذاتی اروپا در برخورد با «دیگران» اشاره می‌کند.

نویسنده سفر خود را از کاستیل آغاز می‌کند. یهودیان و مسلمانان در قرن پانزدهم میلادی، یک سرنوشت مشترک دارند و آن کشتار، اخراج و تبعید از اندلس است. جستجوی شوارتز از دوران تفتیش عقاید حاکمان کاستیل، سرگردانی و اخراج یهودیان به سرزمین‌های درون عثمانی، ادامه پیدا می‌کند. سرگردانی یهودیان سفاردی زمانی پایان می‌یابد که بخشی از آنان در سرزمین‌های عثمانی و بخش دیگر در مراکش مستقر می‌شوند. کتاب، اطلاعات ذی‌قیمتی از کتاب‌های ممنوعه، مکان‌ها، مزارها، کتاب‌های تاریخی، سروده‌ها و الهیه‌های سفاردی می‌دهد.

گل سرخ ساریوو تنها، تاریخ زندگی مسالمت‌آمیز یهودیان و مسلمانان بوسنی و هرزگوین نیست، او با نگاهی به درگیری عرب - اسرائیل، به نقش برخی یهودیان اسرائیل در حمایت از صرب‌ها در زمان جنگ کوزوو می‌پردازد. (ص ۱۰۸) مردخای آتیاس، رئیس جامعه یهودیان دبوی، شهری در شمال بوسنی و تحت اشغال صرب‌ها؛ خود را یهودی چتینیک (صرب افراطی) می‌نامد و در اخراج مسلمانان از دبوی با صرب‌ها همکاری می‌کند. از سوی دیگر، یهودیان ساریوو نقش مهمی در تهیه داروها و مایحتاج جنگ اخیر ایفا می‌کنند. (ص ۸۰)

یکی از بخش‌های جالب کتاب، کشف مقبره ساباتازوی، شخصیت مهم یهودی و سپس مسلمان قرن ۱۷ در بوسنی است. ساباتازوی ابتدا خود را مسیح، موعود و نجات‌بخش معرفی می‌کند. حاکمان وقت عثمانی وی را به دلیل این ادعا تحت فشار قرار می‌دهند و از او می‌خواهند تا دست از این ادعا بردارد. وی برای زنده ماندن اسلام می‌آورد، به استولتس می‌رود و در همان جا به فعالیت مخفی می‌پردازد. نویسنده، رابطه زوی را با کابالا یا آیین عرفانی یهود منکر نمی‌شود و ادعای وی را درباره

کتاب گل سرخ ساریوو، نمونه متفاوتی از ادبیات سیاسی بعد از یازده سپتامبر است و بر همگرایی و گفتگو تأکید دارد. این کتاب نمونه ایده‌آلی از جامعه عثمانی و تساهل و بردباری آن را نسبت به پیروان اهل کتاب ترسیم می‌کند

نجات‌بخشی متأثر از آن می‌داند.

یهودیان سفاردی، خاطره اسپانیا را در زبان، موسیقی و اشعار مذهبی حفظ کرده‌اند. گویش کاستیلی در زبان اسپانیایی، گاه، به عنوان گویش یهودی - اسپانیایی خوانده می‌شود. موسیقی شرقی یهودیان سفاردی در طول تاریخ، هویت خود را حفظ کرده است و حس نوستالژیک قوی نسبت به وطن اولیه‌شان، اسپانیا، در آن دیده می‌شود. زندگی آنها در مناطقی مانند ساریوو، در همگرایی کامل و جامعه مسلمان‌ها بوده بی آن که در آن جامعه هویت خود را از دست دهند. مشکل یهودیان ساکن کشورهای اروپای غربی و شرقی متفاوت با بالکان است. یهودیان اشک نازی، فرهنگ و هویت دیگری دارند. یک تفاوت یهودیان سفاردی و اشک نازی را در اسرائیل می‌بینیم. در حالی که بنیانگذاران رژیم صهیونیستی عمدتاً از بین یهودیان اشک نازی مهاجر لهستان، آلمان و روسیه هستند، یهودیان سفاردی همانند یهودیان عرب و شرقی، شهروندان درجه دوم اسرائیل بشمار می‌روند. (ص ۲۳)

رابطه مسیحیان و مسلمانان در جنگ بوسنی و هرزگوین به‌نظر مؤلف بیش از آن که علت دینی داشته باشد، علل سیاسی دارد. بسیاری از نظریه‌پردازان، درگیری‌ها و جنگ‌های دهه ۹۰ بالکان را جنگ بین بنیادگرایی اسلامی با فرهنگ و تمدن غربی دیدند. شوارتز این نظریات را رد می‌کند و معتقد است، بنیادگرایان مسلمان در بوسنی و کوزوو، نقش بسیار ضعیفی بازی کردند. مسلمانان بالکان برای هویت اسلامی و هویت اروپایی خود تلاش کردند. (ص ۴۶) جنگ اخیر دلایل سیاسی آشکار داشت ولی روشنفکران غربی در پاسخ به چالش‌های معاصر و رویارویی با مسائل دنیای اسلام، از درک آن بازماندند. علت این امر روشن است، بسیاری از متفکران غربی، درباره اسلام و مبانی عقیدتی آن چیزی فراتر از مسائل سیاسی جوامع مسلمان نمی‌دانند.

کتاب گل سرخ ساریوو، نمونه متفاوتی از ادبیات سیاسی بعد از یازده سپتامبر است و بر همگرایی و گفت‌وگو تأکید دارد. این کتاب نمونه ایده‌آلی از جامعه عثمانی و تساهل و بردباری آن نسبت به پیروان اهل کتاب ترسیم می‌کند. یهودیان سفاردی در طی دوره عثمانی نسل کشی نشدند، آنان در درون جامعه اسلامی، به زندگی مسالمت‌آمیز خویش با دیگران ادامه دادند. ولی یهودیان بالکان در دوران مدرن، همانند مسلمانان بوسنی و هرزگوین و کوزوو، مقنونه و مونته‌نگرو، طی دو جنگ جهانی اول و دوم هدف پاکسازی‌های نژادی شدند. از این‌رو، زندگی یهودیان در ساریوو طی قرن‌ها، می‌تواند نمونه‌ای قابل تأمل برای درک هم‌زیستی دینی باشد.